

پیمان سعدآباد نامیده شد. چهار کشور در این پیمان به یکدیگر تعهد دادند که نه به‌تنهایی و نه همراه با کشور دیگری دست به هیچ‌گونه عملیات متجاوزانه علیه یکدیگر نزنند و به کشور دیگری که به یکی از آنها تجاوز کرده نیز چه مستقیم و چه غیرمستقیم، کمکی نرسانند. این دولت‌ها همچنین تعهد کردند که در مرزهای خود از تشکیل یا عملیات گروه‌های مسلح یا غیرمسلحی که علیه نظم و امنیت کشورهای دیگر یا واژگونی دولت آنها فعالیت کنند، جلوگیری کنند. این پیمان امنیتی و نظامی پایه و اساس روابط ایران و ترکیه و افغانستان در چند دهه آینده شد و تنها عراق بود که با وقوع کودتا و انقلاب از این پیمان خارج و در دهه چهل وارد تعارض نظامی و امنیتی با ایران شد.

سمیعی در کنار پیمان سعدآباد سه معاهده هم با ناجی اصیل، وزیر خارجه عراق امضا کرد. «عهدنامه سرحدی» به اختلافات دو کشور ایران و عراق بر سر آبراه اروندرود پایان داد و مانعی مهم در راه گسترش روابط ایران و عراق را از میان برداشت و معاهده‌های دیگر نیز «عهدنامه مؤدت» و «عهدنامه تسویه مسالمت‌آمیز اختلافات» که قرار بود مبنای توسعه روابط دو کشور شوند؛ عهدنامه‌هایی که با کودتای بعثی در عراق نادیده گرفته شدند و تعارضات دهه چهل و پنجاه شمسی و در نهایت جنگ هشت‌ساله تحمیلی ایران و عراق را پدید آوردند.

این پیمان که به «پیمان سعدآباد» مشهور شد، وحدت نظر چهار کشور را در سیاست عمومی و حمایت متقابل در صورت بروز خطر نسبت به یکی از دولت‌های عضو پیش‌بینی می‌کرد و دول چهارگانه را متعهد می‌کرد که ضمن محترم شمردن حدود مرزی مشترک، سیاست عدم مداخله مطلق در امور داخلی یکدیگر را دنبال کنند. متعهدین همچنین توافق کردند که در کلیه اختلافات بین‌المللی که به منافع آنها مربوط است با هم مشورت نمایند و عملیات تجاوزکارانه علیه یکدیگر نداشته باشند. پس از امضای پیمان سعدآباد، رضاشاه طی نطق خود به مناسبت افتتاح مجلس دوره یازدهم، ضمن بی‌سابقه خواندن این پیمان در مشرق‌زمین، آن را مدد بزرگی به بقای صلح در جهان دانست.

ایران برای برقراری روابط حسنه با ترکیه پیش‌تر ارتفاعات مهم آراارات را به انکارا واگذار کرده بود و پیمان با عراق نیز شامل امتیاز مهمی بود چراکه ایران حق کشتیرانی در اروندر را به عراق واگذار کرد. پیمان سعدآباد دست‌کم در کوتاه‌مدت سودی برای ایران در پی نداشت چراکه در جریان اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ نه‌تنها این سه کشور در قبال اشغال ایران واکنشی نداشتند حتی عراق پایگاه‌های نظامی خود را در اختیار بریتانیا قرار داد. هر چند می‌توان در نظر گرفت که این سه کشور توانایی دفاع از ایران در قبال متفقین را نداشتند اما وابستگی سیاسی آنان به بریتانیا نیز در این امر بی‌ثر نبود. در واقع در آن دوره هیچ‌یک از کشورهای منطقه توانایی مقابله و ایستادگی در قبال تصمیمات بریتانیا را نداشتند و بلکه به لحاظ سیاسی نیز وابسته به بریتانیا بودند. با این حال این پیمان اساس روابط ایران و عراق و ترکیه و افغانستان شد.

در دوران سمیعی موضوع بحرین و جزایر ایرانی خلیج‌فارس نیز که در اشغال بریتانیا بود مورد توجه قرار گرفت و شخصیت‌های علمی چون عباس اقبال مامور پژوهش در این زمینه شدند. بر همین اساس اثر ارزشمند «مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج‌فارس» در سال ۱۳۱۶ توسط «مطبعه مجلس» چاپ شد و مجدداً در سال ۱۳۲۸ با اصلاحاتش تجدید چاپ شد. اقبال در مقدمه کتاب می‌نویسد: «در سال ۱۳۱۵ شمسی که نگارنده در پاریس مقیم بودم با مرحوم مدبرالدوله سمیعی، وزیر امور خارجه ایران در آن زمان مامور شدم که در باب جزایر و سواحل خلیج‌فارس مخصوصاً جزایر بحرین مطالعاتی از لحاظ تاریخی و جغرافیایی بنمایم و سوابق ارتباط این جزایر را با ایران و تعلقی که آن نواحی همیشه به‌مملکت ما داشته و دارد، حتی الامکان روشن کنم.»

تهیه و انتشار این اثر نیز نشان می‌دهد که ماموریت اصلی سمیعی در وزارت امور خارجه پیگیری و حل و فصل مسائل دیپلماتیک ایران و همسایگانش بوده است. سمیعی در اوج فعالیت‌هایش دچار بیماری شد و در برلن درگذشت. عبدالحسین مسعود انصاری دیپلمات ارشد ایرانی در کتاب «زندگانی من» در خصوص مرگ سمیعی می‌گوید: «واقعۀ خیلی تأسّف‌آوری که در زمان ریاست تشریفات من رخ داد، مرگ ناہنگام مرحوم سمیعی وزیر خارجه وقت بود. بر اثر عارضه سرماخوردگی گوش وی چرک کرد و تحت عمل جراحی قرار گرفت؛ اما چرک گوش به خون سرایت کرده بود... یک هفته بعد بر اثر همین عارضه درگذشت.»

▼ادیب‌السلطنه و دولت در تبعید مهاجرین

حسین سمیعی ادیب‌السلطنه در سال ۱۲۵۵ در رشت به دنیا آمد. پدرش میرزاحسن خان ادیب‌السلطنه

▼وزارت امور خارجه و تنظیم روابط با همسایگان تازه

او در ۵ فروردین ۱۳۱۵ در وزارت امور خارجه جایگزین سیدباقر کاظمی رحل خوشنাম و ملی آن دوران شد که از ۲۸ اسفند ۱۳۱۴ از سمت خود کنار رفته بود. دوران وزارت امور خارجه سمیعی بخش مهمی از دوران سلطنت رضاشاه را تشکیل می‌دهد که با نخست‌وزیری محمود جم آغاز شد و با استعفای احمد متین‌دفتری از سمت نخست‌وزیری به پایان رسید. در این دوران رضاشاه تحت تأثیر ظهور آلمان هیتلری در اروپا به این تصور رسید که می‌تواند قدرت مطلقه خود را بدون تکیه بر بریتانیا گسترش داده و سیاست مستقلی را در پیش بگیرد. رضاشاه که تحت تأثیر سیاستمداران ملی و ایران‌دوست آن عصر از دخالت‌ها و سلطه بریتانیا بر سیاست جهانی در آن عصر ناخرسند بود با پاره کردن قرارداد دارسی دوران حکومت خود را آغاز کرد. آغازی که منافع زیادی برای ایران در پی نداشت و در نهایت با کوتاه آمدن رضاشاه مقابل سفیر بریتانیا بر خلاف ادعاهای نخست به تمدید طولانی‌مدت‌تر این قرارداد در قبال امتیازات اندک به ایران منجر شد. با این حال این اقدام رضاشاه هشداری برای بریتانیا بود که از تلاش ایران برای ایجاد سیاستی مستقل خبر می‌داد؛ البته این سیاست مستقل در بستر نظام جهانی که در میانه دو جنگ جهانی تحت سیطره بریتانیا بود چندان طرفی نمی‌بست و به ثمری نمی‌رسید. ایران در میان کشورهایی محاصره شده بود که هر کدام سابقه ستیزه و مقابله با دخالت بریتانیا را چشیده و در نهایت به توافق با لندن تن داده بودند. کمال اتاترک، رهبر جنگ‌های استقلال ترکیه پس از نبردهای چندین‌ساله با توافق لوزان توانست ماترک امپراطوری عثمانی را در جمهوری ترکیه حفظ کند و عراق نیز پس از شورش و قیام عمومی توانست از قیمومت بریتانیا خارج شود. افغانستان میراث‌دار سال‌ها جنگ با هند بریتانیا بود و ایران خود در جنوب شرقی هنوز با هند بریتانیا همسایه بود.

سیاست خارجی ایران قبل از جنگ جهانی دوم در زمان رضاشاه، بر مبنای استوار کردن موقعیت خود در برابر دو قدرت شوروی و انگلیس بود. بر همین اساس بود که رضاشاه تلاش کرد تا با نزدیکی ایران به آلمان موقعیت مستقل‌تری در عرصه بین‌الملل پیدا کند. اما این سیاست تنها با نزدیکی به آلمان تحقق پیدا نمی‌کرد، به همین خاطر رضاشاه برقراری روابط دوستانه با دولت‌های همجوار و قدرت‌های منطقه‌ای را در دستورکار قرار داد و در ادامه همین سیاست بود که ۱۷ تیر ۱۳۱۶ پیمان مهم بین چهار کشور عراق، افغانستان، ترکیه و ایران در کاخ سعدآباد تهران به امضا رسید و به پیمان سعدآباد مشهور شد. در واقع آخرین قدمی که در این دوره پیش از جنگ جهانی دوم برداشته شد، امضای این قرارداد بود که وزرای خارجه چهار کشور در کاخ سعدآباد آن را امضا کردند و اتحادی برای حفظ یکدیگر تشکیل دادند.

سمیعی نیز برپایه همین سیاست در دوران وزارت خود تلاش کرد روابط ایران با همسایگان تازه‌تاسیس‌اش را تنظیم کند. شمال ایران که تماماً هم‌مرز با شوروی بود و دو کشور ترکیه و عراق به‌تازگی در غرب ایران متولد شده بودند و البته افغانستان تنها همسایه ایران بود که بیش از چند دهه عمر داشت. در همین راستا در اسفند ۱۳۱۵ هیئتی از ترکیه به ریاست جمال حسنی تارای نماینده مجلس این کشور به تهران آمد و چند هفته مذاکراتی برای عقد ۱۰ قرارداد انجام داد که این قراردادها در دو نوبت در روزهای ۲۳ اسفند ۱۳۱۵ و ۲۱ فروردین ۱۳۱۶ میان جمال حسنی تارای و کمال کوپرولو وزیر مختار ترکیه در تهران به نمایندگی از کشورشان با عنایت‌الله سمیعی امضا شد تا مجموعه روابط تجاری و کنسولی میان دو کشور را تنظیم کنند. یکی از مهمترین این اسناد برقراری نیابت قضائی و استرداد مجرمین و متهمان میان دو کشور بود.

روابط با عراق نیز توسط خود سمیعی پایه‌گذاری شده بود و در همین مدت کوتاه سمیعی دوبار به‌عنوان وزیر مختار در این کشور مامور شده بود و با وجود شکایت عراق به جامعه ملل در نهایت با مذاکرات دوطرفه دست‌کم برای مدت کوتاهی اختلاف میان دو کشور حل‌شده فرض می‌شد. از سوی دیگر برقراری نظام پادشاهی در این کشور عربی و ترس از برقراری جمهوری که در نهایت نیز گریبان سلطنتی عراق را گرفت میل به برقراری رابطه حسنه با حکومت سلطنتی ایران را در بغداد افزایش می‌داد. بر همین اساس بود که پس از عقد پیمان بغداد میان ترکیه و عراق که محتوای آن «عهدنامه عدم تعرض» میان این دو کشور بود ایران و افغانستان نیز به امضای این پیمان دعوت شدند.

مذاکرات منتج به پیمان سعدآباد مهمترین اقدامی است که در کارنامه وزارت امور خارجه سمیعی ثبت شد. در هفدهم تیر ۱۳۱۶ سمیعی همراه با وزیران خارجه عراق، افغانستان و ترکیه در کاخ سعدآباد گردهم‌آمد و «عهدنامه عدم تعرض» را امضا کردند که

دیپلمات‌ها



سلاح‌های اسباب‌بازی در اصفهان

حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران در مصاحبه‌ای با شبکه خبری ان.بی.سی گفت: آنچه بامداد جمعه رخ داد، یک حمله نبود. آنها به مثابه اسباب‌بازی‌هایی بودند که کودکان ما با آنها بازی می‌کنند نه پهلپاد. به نوشته ایسنا، وزیر خارجه ایران که برای شرکت در جلسه شورای امنیت سازمان ملل به نیویورک رفته، همچنین افزود، ایران برنامه‌ای برای پاسخ ندارد مگر اینکه رژیم صهیونیستی یک حمله بزرگ و چشمگیر انجام دهد. دیپلمات ارشد ایران در ادامه گفت: مادامی که هیچ ماجراجویی جدیدی از سوی اسرائیل علیه منافع ما وجود نداشته باشد، ما هیچ واکنش جدیدی نخواهیم داشت. وی با هشدار به اینکه اگر رژیم صهیونیستی به ایران حمله کند، واکنشی به مراتب شدیدتر و قاطع‌تر دریافت می‌کند، ادامه داد: اگر اسرائیل اقدامی جدی علیه کشور من انجام دهد و این برای ما ثابت شود، پاسخ ما فوری و حداکثری خواهد بود و باعث پشیمانی آنها خواهد شد. امیرعبداللهیان همچنین گفت: ما می‌توانیم حیفاً و تل‌آویو را بزنیم. ما می‌توانیم همچنین تمامی بنادر اقتصادی اسرائیل را هدف قرار دهیم. اما خطوط فرمز ما غیرنظامیان هستند، هدف ما فقط اهداف نظامی است. دیپلمات ارشد ایران در ادامه مصاحبه خود افزود: ایران هیچ اطلاع قبلی از حمله حماس (۷ اکتبر) نداشت، حماس یک سازمان تروریستی نیست، بلکه یک جنبش آزادی‌بخش مخالف اشغال سرزمین فلسطین توسط اسرائیل است. وی همچنین بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را «نامتعادل» خواند و تل‌آویو را مقصر بن‌بست در مذاکرات آزادی‌آسرای صهیونیست دانست. امیرعبداللهیان همچنین عنوان داشت، رژیم صهیونیستی برای جبران ناتوانی خود در دستیابی به اهدافش در جنگ غزه، در خواست‌های بیش از حدی دارد. وی ادامه داد: اسرائیل نه‌توانسته حماس را نابود کند و نه رهبران داخل غزه را دستگیر کند، نه‌توانسته حماس را خلع سلاح کند، نه‌قادر به نابودی تسلیحات و تجهیزات است. بنابراین به کشتن زنان و کودکان متوسل شده و اکنون در میز مذاکرات تلاش می‌کنند تا آنچه را در حملات به دست نیاورند، به دست بیاورند. وزیر خارجه ایران همچنین ابراز امیدواری کرد که توافقی به زودی برای آزادی‌آسرای صهیونیست به‌عنوان بخشی از یک توافق گسترده حاصل شود: «حماس آماده است تا آزادی‌آسرا را در قالب یک بسته سیاسی بشردوستانه که همه چیز را در بر می‌گیرد، ادامه دهد. فکر می‌کنم که الان، وقت خوبی است. این یک فرصت خوب است.»



سکوت ایران یعنی پایان تنش

وزیر دفاع سابق آمریکا با بیان اینکه سکوت کنونی مقامات رژیم صهیونیستی و ایران می‌تواند نشانه پایان تنش‌ها باشد، آن را «کرکننده» توصیف کرد. «مارک اسپر» وزیر دفاع سابق آمریکا سکوت رژیم صهیونیستی و ایران درباره تنش‌های اخیر را «کرکننده» توصیف کرد و آن را نشانه‌ای از این دانست که تنش‌ها فعلاً به پایان رسیده‌اند. اسپر که در دوره ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ» وزیر دفاع آمریکا بود، گفت: «این سکوت از دو طرف واقعاً کرکننده است؛ اینکه هیچ‌کس درباره آنچه اتفاق افتاده صحبتی نمی‌کند.» به گزارش روزنامه هیل، اسپر ادامه داد: «فکر می‌کنم این در حال حاضر پایان ماجرا باشد. اما باید دید چه خواهد شد.» در روز جمعه ریزیرنده‌هایی در آسمان اصفهان مشاهده شدند که توسط سامانه‌های پدافند هوایی ایران، سرنگون شدند. این حادثه که به رژیم صهیونیستی نسبت داده می‌شود، پس از آن اتفاق افتاد که ایران هفته گذشته در پاسخ به جنایت رژیم صهیونیستی در حمله به کنسولگری تهران در سوریه، مواضع رژیم اشغالگر از اراضی اشغالی را با ده‌ها موشک و پهپاد هدف قرار داد.